

آسیب شناسی قانون مبارزه با پولشویی ایران از حیث نحوه برخورد نظام عدالت کیفری

حمیدرضا محمدی*

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران،

بابلسر، ایران

Hami.mohamadi@ut.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-1024-6082>

دکتر داود اسلامی

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

eslami@znu.ac.ir

<https://orcid.org/0009-000901724-8022>

چکیده:

در دو دهه اخیر، قانون مبارزه با پولشویی با غایت های متفاوتی نظیر مقابله با گردش غیرقانونی سرمایه و اختلاط غیرقابل تفکیک عواید مجرمانه با سرمایه های قانونی و حفظ سلامت نظام اقتصادی، از جایگاه ویژه ای در ساختار حقوقی کشورها برخوردار است. در ایران، علی رغم تصویب قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و اصلاحیه آن (۱۳۹۷)، کاستی هایی در ابعاد ماهوی و شکلی این قانون مشاهده می شود که بعضا کارآمدی این قانون مهم را به عنوان مهم ترین سند قانونی در خصوص بزه پولشویی را در عمل با چالش مواجه می کند. این مقاله با رویکرد آسیب شناسی، به تحلیل ساختار تقنینی قانون مذکور در برخورد نظام عدالت کیفری از طریق دادگستری پرداخته و از مهم ترین نارسایی های ساختار تقنینی قانون مبارزه با پولشویی از جمله: عدم تعریف دقیق مفاهیم کلیدی مانند «پولشویی» و اکتفا به ذکر مصادیق و همینطور عدم تعریف دقیق مفهوم کلیدی «عواید حاصل از جرم»، تعارض برخی احکام با اصولی بنیادین از حقوق کیفری نظیر اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل برائت به واسطه جرم انگاری های جدید، نو آورانه و در عین حال سختگیرانه در اصلاحات اخیر قانون مبارزه با پولشویی، ابهامات موجود در صلاحیت مراجع رسیدگی و سایر ابهامات آیینی در فرآیندهای تعقیب، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به اتهامات مرتبط با پولشویی و ضعف در پیش بینی ضمانت اجراهای مؤثر و همینطور در برخی موارد افراط در پیش بینی ضمانت اجراها و کیفرها را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین لازم به ذکر است که عدم انطباق کامل قانون داخلی با تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه توصیه های گروه ویژه اقدام

مالی (FATF)، از دیگر خلأهای اساسی مورد اشاره است. در نهایت و غایت این اثر، پیشنهادهایی برای اصلاح و به‌روزرسانی قانون در چارچوب اصول حقوقی در پرتو اصول بنیادین حقوق کیفری ارائه شده است تا زمینه اجرای مؤثرتر آن در راستای حفظ امنیت اقتصادی فراهم آید.

کلمات کلیدی: پولشویی، جرایم اقتصادی، آسیب شناسی قانون مبارزه با پولشویی

مقدمه:

پولشویی به فرآیند تطهیر منابع مالی ناشی از فعالیت‌های مجرمانه اطلاق می‌شود که در آن، سود حاصل از جرم وارد چرخه رسمی اقتصاد می‌گردد. این پدیده نه تنها بنیان‌های اقتصادی کشور را تهدید می‌کند، بلکه به افزایش فساد، بی‌اعتمادی عمومی و فرار سرمایه نیز منجر می‌شود. با توجه به رشد پیچیدگی فعالیت‌های مالی و گسترش ارتباطات بین‌المللی، مقابله با پولشویی نیازمند قوانین به‌روز، شفاف و هماهنگ با استانداردهای جهانی مانند توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است.

پولشویی به عنوان یکی از چالش‌های جدی نظام‌های مالی و اقتصادی، تهدیدی برای شفافیت، سلامت اقتصادی و امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. در ایران، اگرچه قانون مبارزه با پولشویی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن با هدف کنترل و پیشگیری تصویب شده‌اند، اما بررسی‌های حقوقی و تجربیات میدانی نشان می‌دهند که این قانون با چالش‌هایی جدی در حوزه‌های تعاریف قانونی، شناسایی مصادیق جرم، نقش نهادهای مسئول، رویه‌های قضایی، و ضمانت اجرای مؤثر روبروست.

در ایران قانون مبارزه با پولشویی برای نخستین بار در سال ۱۳۸۶ تصویب و اجرایی شد و متعاقب آن اصلاحاتی در سال ۱۳۹۷ صورت گرفت. با وجود این تلاش‌ها، بررسی و تحلیل عملکرد این قانون و سازوکارهای اجرایی آن نشان می‌دهد که چالش‌ها و نارسایی‌هایی همچنان پابرجاست که می‌تواند کارایی آن را با تردید مواجه سازد. این مقاله با هدف آسیب‌شناسی قانون مبارزه با پولشویی در ایران، به بررسی نقاط ضعف و خلأهای موجود می‌پردازد. همچنین تلاش می‌شود تا با تحلیل تطبیقی و بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه گردد تا بستری لازم برای مبارزه مؤثرتر با پولشویی فراهم آید.

این پرسش اساسی مطرح است که: آیا قانون فعلی مبارزه با پولشویی در ایران توانسته به درستی اهداف خود را تحقق ببخشد و چه نقاط ضعف و خلأهایی در اجرای آن وجود دارد؟ ادبیات نظری مقوله‌ی پولشویی در ادبیات حقوقی و اقتصادی به عنوان یک جرم سازمان‌یافته و فراملی شناخته می‌شود. نظریه‌پردازان بر این باورند که پولشویی موجب تضعیف سیستم‌های مالی، تسهیل جرایم دیگر نظیر قاچاق، تروریسم و فساد اداری شده و در نهایت بر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. سازمان‌های بین‌المللی همچون گروه FATF، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، چارچوب‌هایی را برای مبارزه با پولشویی تعیین کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ضرورت شناسایی مشتری (KYC)، گزارش‌دهی عملیات مشکوک (STR) و پایش تراکنش‌های مالی اشاره کرد. در ایران نیز مطالعات مختلفی به تحلیل قوانین موجود پرداخته‌اند، اما اغلب بر این موضوع تأکید دارند که فقدان انسجام در سیاست‌گذاری، نبود سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه، ضعف در اجرای دقیق مقررات و ناکارآمدی برخی نهادهای نظارتی، موجب کاهش اثربخشی قانون شده‌اند. با توجه به اهمیت مبارزه با پولشویی در سطح بین‌المللی، آسیب‌شناسی قانون ایران ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به چالش‌های موجود در حوزه مبارزه با پولشویی، به نظر می‌رسد قانون فعلی نیز نیازمند بازنگری‌های ساختاری و محتوایی است.

۱- نحوه برخورد نظام عدالت کیفری در بزه پولشویی:

با عمومی شدن دادگستری و تبدیل حق دادخواهی به یکی از حقوق بنیادین بشر، نظام عدالت کیفری به عنوان نظامی منشعب از دادگستری در مقیاس‌های قضایی، اداری و انتظامی خود به دنبال اجرای عدالت از طرق مختلفی از جمله کیفردهی به ناقضان قوانین می‌باشد. قوانین کیفری به عنوان فصل الخطابی برای جامعه برخوردهایی را با ناقضان خود پیش بینی کرده است؛ در باب بزه پولشویی، به عنوان بزه‌ی که دارای ادبیاتی نسبتاً نوین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد سیاست جنایی خاصی مد نظر قانونگذار بوده است. این سیاست‌گذاری از این حیث خاص و شاید سرکوبگر است که برخوردی بسیار سخت با کلیه مرتکبان رفتارهای در حکم پولشویی را تعیین کرده است که شاید اولین مصداق آن تعیین کلی مصادیق عنوان مجرمانه پولشویی می‌باشد، برخی دانشمندان علوم جنائی بر این اساس معتقدند که این امر از منظر کارایی، تصمیمات مقنن در قالب قانون را به شکل معقولی توجیه می‌کند (لازرژی، ۱۴۰۱، ۱۳۳) لکن باید مد نظر قرار داد که سیاست جنائی واکنشی که حداکثر توان و ابزارهای قانونی را برای واکنش به یک بزه بکار می‌گیرد لزوماً سیاستی منطقی نبوده و بنظر سیاست جنایی می‌تواند حالتی انعطافی داشته و بسته به ابعاد و آثار جرم تصمیماتی را از پیش در قالب واکنش به جرم در نظر بگیرد. با ورود سیاست جنائی با اوصاف پیش ذکر شده به بزه پولشویی، توالی فاسدی نیز برای نظام عدالت کیفری متصور است. نخست آن که قابل توسعه تلقی شدن رفتارهای مجرمانه در بزه پولشویی به مصادیق مد نظر قضات می‌تواند سبب ایجاد وضعیتی شود که عملاً به لحاظ عدم شفافیت و وضوح در جرم بودن یک عمل، وضعیتی شبیه به وضعیت فقدان حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات به میان آمده است چرا که شهروندان از جرم نبودن عمل خود اطلاع کافی ندارند چرا که نه تنها قانون، بلکه قضات نیز واضحاً موضع یکسانی در جرم بودن رفتار مذکور ندارند؛ در این حال است که قانونی که وضع شده است تا پیشبرد الزامات اجتماعی را تضمین کند (Raisa roskan, 2018, 174) خود سبب یک آشوب در

جامعه میشود و بی نظمی دامن شهروندانی را میگیرد که با تصویری غلط قربانی تصورات گوناگون و متفاوت قضات جامعه میشوند در وهله بعدی واکنش‌هایی نظیر کیفر حبس در میزان‌های قابل توجه، کیفر نقدی معادل اموال موضوع جرم و ضبط اموال را در پیش گرفته است که در نوع خود در جرائمی که از حیث مالی بودن مشابه پولشویی میباشند-نظیر خیانت در امانت- بسیار سخت‌تر بنظر میرسد و این ناترازی در برخورد در برخی موارد، صرفنظر از برخورد سنگین با مرتکب بزه پولشویی الزاما آورده ای برای نظام عدالت کیفری و شهروندان نداشته و استهلاک مقدرات تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای رای جنبه غالب را در فهرست آورده‌های این مراحل داشته است. ، از دیگر جهات اثبات نقصان قانون مبارزه با پولشویی از حیث شفافیت در مواضع قانونی امور فرعی مرتبط با جرم انگاری بزه پولشویی است. در کشور ایران انباشت قانون و تورم در قوانین کیفری به نحو نامناسبی وجود دارد که بنظر همین امر سبب تشتت در آرا و حتی توسل روزافزون قضات به اداره حقوقی قوه قضاییه جهت یکپارچه سازی و یکنواخت سازی رویه قضایی ناشی از قوانین شده است(عالی پور، و زالی پور مداب، ۱۴۰۱، ۲۴۹).

شفاف نبودن سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با بزه پولشویی سبب اختلافات زیادی در خصوص برخی تصمیمات مقنن در زمان تصویب و اصلاح قانون مذکور شده است که اخیرا یکی از آنان در هیئت عمومی دیوانعالی کشور در قالب رای وحدت رویه مورد بررسی و حل قرار گرفته است به نحوی که بر مبنای آن، مطابق با ماده ۱۱ قانون مبارزه با پولشویی شعبی در تهران و مراکز استان‌ها جهت رسیدگی به پرونده‌های پولشویی و جرائم مرتبط تشکیل میشوند و بر مبنای این امر، اختلافی در حوزه صلاحیت محاکم شهرستان‌ها به وجود آمده بود و برخی محاکم شهرستان‌ها را برای رسیدگی به بزه پولشویی صالح نمی دانستند و در آخر، هیئت عمومی دیوانعالی کشور نیز به درستی اختلاف مذکور را با صدور رای وحدت رویه ۸۶۸ با نافی صلاحیت ندانستن دادگاه محل وقوع جرم بواسطه تشکیل محاکم تخصصی در مراکز استان‌ها حل نمود. چنین اختلافی ناشی از سیاست جنایی غیر شفاف جمهوری اسلامی ایران در حوزه مبارزه با پولشویی است چرا که از یک سو ظاهر ماده بر آن قابل تفسیر بود که مقنن مصالحتی که سبب تصویب ماده ۳۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری میدانست را در تصویب ماده ۱۱ نیز جاری دانسته و از سویی دیگر ماده مذکور صراحت لازم را بر این موضوع نداشت و اساسا تمرکزگرا بودن سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با پولشویی در هاله ای از ابهام بود؛ البته با فرضی که قضات هیئت عمومی دیوانعالی کشور به دور از مصلحت سنجی و تلاش برای مبارزه با افزایش حجم پرونده‌های مرتبط با پولشویی در شهرستان تهران چنین تصمیمی متخذ نموده باشند، تصمیم مذکور بنظر صحیح بوده و مطابقت لازم با برخی استانداردهای جهانی نیز داشته است چرا که به عنوان مثال، تمرکزگرایی مذکور در توصیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای اروپا در تحقیقات ضابطین مورد توصیه بوده است^۱ و اسناد دیگری که تلویحا یا صریحا رسیدگی متمرکز در بزه پولشویی را مورد توصیه قرار داده باشند در دسترس نیستند.

¹ <https://rm.coe.int/16804e603c>

۱-۱- قواعد عمومی کیفردهی در پولشویی:

تقریباً به شکل کلی، قواعد عمومی کیفردهی در بزه پولشویی یکسان هستند، ملاحظات خاص و ادبیات نوین در بزه پولشویی سبب آن نشده اند که مقرراتی افتراقی در نحوه کیفردهی به بزه پولشویی وارد شوند و در آینه مقررات مرتبط با این بزه قانونگذار تفاوت های استثنایی ای را در نحوه کیفردهی در قیاس با جرائمی نظیر کلاهبرداری و اختلاس به آینه تقنین در نیاورده است.^۲ در راستای کیفردهی در بزه پولشویی قواعد تعدد و تکرار همگی به شرح مقرر در قانون مجازات اسلامی- کتاب اول- مرعی بوده و از حیث مرور زمان نیز پولشویی حکم متفاوتی نسبت به سایر جرائم اقتصادی نداشته و وفق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ میتوان نسبت به شمول مرور زمان بر این بزه اظهار نظر کرد. در واقع امر، هر چند که پولشویی در عالم ثبوت جرمی متفاوت از جرم منشاء می باشد اما با توجه به ایجاد مصادیق گسترده از رفتارهایی که میتوانند حکماً پولشویی باشند و یا تلقی شوند و همین طور امکان تحقق این بزه تا مدت ها پس از تحقق بزه منشاء، فروض متفاوتی در خصوص جمع عناوین پولشویی و ارتکاب جرم منشا در شخص یا اشخاص واحد به وجود می آورد. فلذا با توجه به ایجاد احتمال مبنی بر وجود تعدد در خصوص این جرایم، مراجعه مستقیم به قواعد عمومی حقوق کیفری در خصوص کیفردهی ضرورت می یابد و حالت های زیر را می توان پیش بینی نمود و اساساً بنظر، تمامی حالات مذکور تابع قواعد عمومی کیفردهی در حقوق کیفری هستند؛ در واقع از حیث بکارگیری قواعد اختصاصی برای نفس پولشویی، اصل تقلیل گرایی حقوق کیفری مورد پذیرش قانون گذار واقع شده است. وفق اصل تقلیل گرایی و حداقلی بودن حقوق کیفری می توان به توازن میان قدرت حکومت و حقوق شهروندان و استفاده حداقلی از حقوق کیفری توسط دولت ها رسید (بخشی زاده، بشیریه و غلامی؛ ۲۰۲۱:۲۲) و بر مبنای آن، کیفردهی اختصاصی و خارج از قواعد عمومی را از مصادیق نقض این اصل تلقی کرد که بنظر از این حیث، مقنن به اصل مذکور وفادار مانده است؛ البته این دیدگاه صرفاً از حیث موارد مندرج در این سرفصل بیان شد و در موارد دیگر موارد خلاف مشاهده می شود.

۱-۱-۱- نحوه کیفردهی در صورت جمع مرتکب بزه منشا و بزه پولشویی:

بر خلاف عنوان معاونت در جرم که به تبع عنصر قانونی آن، لزوم خارج بودن رفتار معاون از عملیات اجرایی جرم و صرفاً ارتکاب رفتارهایی در چارچوب بندهای الف تا پ ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی برای معاون محسوب شدن شخص در ارتکاب بزه ضروری بوده و همین ضرورت امکان جمع عنوان مباشر و شریک و معاون به شکل توأمان را از اشخاص سلب می کند^۳، در بزه پولشویی، ارتکاب جرم منشا به نحوی که قسمتی از عنصر مادی مطابق با یکی از مصادیق پولشویی نیز باشد امکان جمع دو عنوان معاونت و مباشرت در یک نفر را ممکن می سازد. البته میتوان برای ارتکاب بزه منشاء و بزه

^۲ وضع کیفرهایی استثنایی در جرایمی نظیر تشکیل شبکه کلاهبرداری، تشدید کیفر در صورت وجود وصف کارمند دولت در شخص و... در برخی جرایم صورت پذیرفته است که در مقررات مرتبط با نحوه کیفردهی به بزه پولشویی رویت نمیشود.

^۳ لازم به ذکر است که مواردی نظیر معاونت موضوع ماده یک قانون مجازات انتقال مال غیر ذاتاً معاونت نبوده و رفتارهای مذکور در حکم معاونت میباشد و تحقق یک یا چند شرط مندرج در ماده ۱۲۶ برای تحقق عنوان معاونت ضرورت ندارد.

پولشویی رفتارهایی متفاوت از سوی یک مرتکب با فواصل زمانی متفاوت را شاهد بود و در نتیجه در دو فرض می توان مرتکب بزه منشاء و پولشویی را یک شخص دانست که برخورد خاص نظام عدالت کیفری در پرتو کیفردهی به وی، احکام متفاوتی را در این فروض به وجود می آورد:

یک- فرض اول: ارتکاب یک رفتار برای حصول جرم منشا که از طرف دیگر این رفتار با یکی از مصادیق پولشویی همخوانی دارد. مانند آن که مرتکب جرم اعمال نفوذ برای اخذ مال برای دیگری، وجوه مرتبط با جرم را در قالب اسکناس های ارزی نه ریالی دریافت نماید. در چنین فرضی به شکل توامان عمل دریافت وجه - با فرض رعایت سایر مراتب در عنصر قانونی مربوطه- از یک سو و از سوی دیگر تحصیل عواید مجرمانه از سوی اعمال کننده نفوذ با علم به منشا مجرمانه و قصد کتمان رخداد داده است.

دو- فرض دوم: ارتکاب یک رفتار و تحقق جرم منشاء به شکل تام و ارتکاب رفتار دیگری به جهت شستشوی عواید مجرمانه، برای نمونه در حالتی که مرتکب با دریافت وجوه مرتبط با اعمال نفوذ با وصف اخذ مال برای خود در قالب اسکناس های ارز آن را تبدیل به یک خودرو برای یکی از دوستان خویش به جهت از بین رفتن امکان رهگیری آن نماید.

در هر دو فرض فوق، بنظر میرسد در حالتی که مرتکب جرم منشا و رفتاری که مشمول یکی از مصادیق بزه پولشویی است - به شکل توامان - در قالب یک رفتار مبادرت به انجام اعمال مجرمانه مینماید رفتارهای مندرج در ماده دوم قانون مبارزه با پولشویی را بتوان مقدمه و مستهلک در بزه پولشویی دانست و در چنین فرضی نتوان نسبت به بزه پولشویی تعقیبی صورت داد؛ نظریه مشورتی ۷/۹۳/۲۰۴۰ - ۱۳۹۳/۸/۲۸ - اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به شکل زیر موید همین نظر است.

کسی را که مرتکب جرم منشأ شده و از این طریق اموالی را بدست آورده، نمی توان به اتهام پولشویی نیز تعقیب و مجازات نمود مگر اینکه مشمول یکی از بندهای ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ شود که در این صورت بر اساس تبصره ۳ ماده ۹ قانون مذکور به اتهام پولشویی نیز قابل تعقیب و مجازات است.

۱-۱-۲- نحوه کیفردهی در صورت افتراق مرتکب بزه منشا و بزه پولشویی:

نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با مرتکبین بزه پولشویی به صورت خاص خود یعنی کیفردهی با فرض افتراق مرتکب بزه منشا و بزه پولشویی در ماده ۹ قانون مذکور پیشبینی شده است به شرحی که به شرح زیر قید شده است:

ماده ۹- اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پولشویی مصادره میشود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم میشوند.

در پرتو ماده معنونه، کیفرهایی در قالب حبس، جزای نقدی و همینطور اقداماتی همچون اقدام ضبط اموال و عواید با مرتکب صورت می پذیرد، در این خصوص ذکر این مورد ضروری بنظر میرسد که با عنایت به ماهیت غیرکیفری ضبط اموال موضوع جرم و ماهیت تامینی آن، ضبط دارایی و منافع حاصل از جرم و به طور کلی ضبط عواید به صورت موازی بر خلاف قانون است به نحوی که دادگاه تنها میتواند در صورت تمایل حکم به ضبط عواید صادر نماید و میزان مورد ضبط نمیتواند بیش از عواید باشد و مسوولیت هر یک از افراد دخیل در جرم نظیر مباشر و شریک در جرایم منشا و پولشویی نمی تواند جمعا بیشتر از میزان اصل عواید و فروع متعلقه به آن ها باشد و همینطور صدور حکم مبنی بر مسوولیت تضامنی و یا تسهیمی بدون احراز وجود عواید در نزد هر یک از اشخاص با توسل به امری نظیر قاعده قرعه و ... خلاف قانون میباشد.

بر مبنای تبصره ۲ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی میتوان منع صدور حکم مبنی بر ضبط عواید ناشی از جرم به صورت موازی و مضاعف را کشف کرد. تبصره ۲- صدور و اجرای حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشا، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد. همینطور، مستند سخن لزوم تعیین مسوولیت هر یک از شرکا نیز ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری میباشد.

ماده ۱۹ - دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسوولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

همچنین مقنن در تبصره ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی سخنی در باب نحوه کیفردهی به اشخاص حقوقی به میان آورده است؛ انتقادات وارده به این تبصره در ادامه اثر بررسی میشوند و در این گفتار صرفا به اصل رویکرد اشاره میشود.

تبصره ۵- در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند علاوه بر مجازات های مقرر در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم میشوند.

تبصره ۵- در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند علاوه بر مجازات های مقرر در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم میشوند.

مقنن با تصویب این تبصره به شکل قابل انتقادی سخن به کیفردهی به اشخاص حقوقی بر فرض ارتکاب بزه پولشویی گشوده است و با بیانی مجمل بنیان تزامنی فیما بین تبصره مذکور و ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی را بنا نهاده است چرا که ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی با تعیین ۷ کیفر قابل تعیین برای اشخاص حقوقی، تعیین یک تا دو کیفر برای اشخاص حقوقی را بر فرض ارتکاب جرم توسط مدیران یا نمایندگان قانونی به نام یا در راستای منافع این اشخاص مجاز نموده است اما تبصره ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی نوعی اجمال در خصوص مبارزه با پولشویی ایجاد نموده است به این نحو که دو نقطه نظر در خصوص امکان محکومیت اشخاص حقوقی به کیفرهای قانونی ایجاد میگردد که عبارتند از:

۱- نظر اول: تبصره ماده ۵ در راستای نسخ ضمنی و حکومت بر ماده ۲۳ نبوده و صرفاً الزام محاکم به درج جزای نقدی در حکم حداقل به عنوان یکی از دو کیفر تعیینی برای اشخاص حقوقی را مطرح نموده است و نصاب قانونی یک تا دو کیفر برای اشخاص حقوقی مورد دستبرد تبصره ماده ۵ نمیباشد.

۲- نظر دوم: مقنن با تصویب تبصره ۵ ماده ۹ به نوعی امکان صدور حکم مبنی بر محکومیت سه کیفر برای اشخاص حقوقی را ایجاد نموده است و تبصره مذکور حاکم بر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی میباشد.

با بررسی نظرات مذکور تراحمی در بین اصل برائت از یک سو و تفسیر واقع به ضرر متهم حاصل میگردد. از یک سو نظر به اصل حکیم بودن قانونگذار و در مقام بیان بودن قوانین، دیدگاه دوم صحیح بنظر میرسد چرا که در خصوص اشخاص حقوقی امکان محکومیت به کیفر به سان اشخاص حقیقی آزادانه نیست و اموری نظیر آزادی تن سالبه به انتقای موضوع بوده و کیفرهایی نظیر حبس و شلاق به آنان قابل تحمیل نیست و بر مبنای این تفکر قائل به امکان محکومیت شخص حقوقی

به حداکثر سه کیفر از برای یک بزه را قائل شد و در کنار آنان اصل برائت را به لحاظ مجازای بودن شخصیت حقوقی که سبب آن شده است که قانون هیچ گاه لفظ متهم را برای شخص حقوقی و حتی نماینده وی استفاده ننماید و صرفنظر از این امور، در صورتی که تبصره ماده ۵ قانون مبارزه با پولشویی حکم جدیدی تلقی نبوده باشد عملاً اصل حکیم بودن قانونگذار نقض شده و مقنن در دو قانون با فاصله تصویب کمتر از نیم دهه حکمی یکسان را در دو دفعه به ادبیات حقوق کیفری وارد نموده است، پس با تفسیری متفاوت و بر خلاف اصل برائت و با در نظر گرفتن تصریح مقنن در تبصره مذکور که مجازات جزای نقدی به میزان دو تا چهار برابر مجازات قانونی برای شخص حقوقی مضاعف بر مجازات های مندرج در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی قید کرده است تمسک به اصل برائت منتفی بنظر میرسد اما از سویی دیگر ایراد مرتبط با شخصیت بدین سان قابلیت رفع دارد که اصل برائت به مثابه یک اصل عملی گرایش به سمت عدم پذیرش الزام قانونی و فقدان تعهد حین روبرویی با شک در تکلیف را بیان میکند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۰۷) و ملاک برای کشف امکان یا عدم امکان موضوع شدن حکم آن بر یک شخصیت، نه نوع شخصیت محکوم بلکه اصل بار شدن این تکلیف بنظر میرسد چرا که در هر حال، اشخاصی حقیقی از کیفردهی شخص حقوقی زیان هایی حتی در قالب عدم النفع متحمل میشوند. از سوی دیگر با مذاقه در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کیفردهی به اشخاص حقوقی که در قانون مجازات اسلامی یک تا دو کیفر را برای شخص حقوقی بسته به شدت و نتایج ارتکاب جرم قابل تعیین دانسته است، بنظر مقنن با در نظر گرفتن این که جرایمی نظیر پولشویی توسط اشخاص حقوقی با انگیزه های مالی و حصول منافعی افزون تر تحقق می یابند و خط مشی این اشخاص بیشتر بر این مبنای سازمان می یابد و همین امر سبب آن میشود که بتوان کیفر جزای نقدی را کیفر متناسبی برای جرایم این اشخاص احتساب کرد (نیکومنظری و محسنی، ۱۳۹۸، ۲۵۳) در مقام بیان این امر بوده است که کیفر نقدی به میزان دو تا چهار برابر کیفر قانونی برای اشخاص حقوقی میبایست در قالب محکومیت اقلاً به عنوان یکی از کیفرهای شخص حقوقی تعیین گردد و محکومیت شخص حقوقی به کیفر بدون تعیین کیفر نقدی با قاعده فوق محمل قانونی ندارد. بنظر دیدگاه اخیر علیرغم همسویی با اصل برائت، نظر به تعارض با نص قانون قابل پذیرش بنظر نمیرسد. البته نویسندگان معتقد به لزوم تعیین کیفر شدید برای اشخاص حقوقی به شکل عینی و ایستا

از حیث قواعد مدیریت کیفر و سیاست جنایی قضایی نیستند. کما این که برخی مجازات را شری میدانند که در کنار مجرم به همگان زیان میرساند(الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۴۰۴: ۶۷) و با این وصف، محکومیت اشخاص حقوقی به تحمل کیفر نقدی به عنوان کیفری ایستا به نحوی که پویایی قاضی در انتخاب آن به عنوان کیفر قضایی از وی سلب و بر فرض عقیده به مجرمیت به انتخاب آن به عنوان کیفر شخص حقوقی مکلف باشد میتواند سبب ورود ضرر حتی به جامعه تلقی گردد چرا که افراط در اخذ جزای نقدی اثار اقتصادی خاصی را نظیر بی میلی بخش خصوصی به فعالیت آزاد اقتصادی باقی میگذارد لکن تفسیر فوق مبتنی بر قانون و سیاست جنایی تقنینی است و نه با تدابیر آموخته از لوازم تقنین با تکیه بر آثار عملی قوانین.

۲-۱- قواعد اختصاصی کیفردهی در بزه پولشویی:

در برخورد نظام عدالت کیفری به شکل خاص خود یعنی کیفردهی در مواجهه با بزه پولشویی، مقنن احکامی اختصاصی را در کنار کلیاتی که بیان شد پیش گرفته است؛ اساسا بنظر میرسد مقنن با توجه به آثار ناشی از پولشویی با توجه به اوصافی نظیر سازمان یافتگی، میزان مال و ... اقدام به پیش بینی تدابیر تشدید کننده کیفر برای کیفررسانی متناسب تر و همینطور پیشگیری از تخفیف بیجای قضات دادگستری در مرحله صدور رای نموده است. بدیهی است که این اوصاف محصور بوده و در چارچوب قانون مبارزه با پولشویی به تنصیص رسیده اند. بنظر میرسد مواردی نظیر تشدید یک درجه ای کیفر پولشویی به لحاظ وصف سازمان یافتگی با وصف مبلغ بالاتر از حد نصاب های خاص عملا سبب آن خواهند شد که کیفر بزه پولشویی به سان کیفر تعزیری بزه قتل عمدی مسلمان در حالت فقدان امکان یا انتفای قصاص نفس به نوعی بازدارندگی کیفری خاص برای مرتکبین پولشویی در نظر گرفته شده باشد چرا که با کیفردهی سنگین بسیاری از افراد از ارتکاب جرم در آینده منصرف میشوند(محمدنسل، ۱۴۰۳، ۱۷۴) و در بزه پولشویی نیز تشدید بی ملاحظه کیفر با این اوصاف که از عام ترین قواعد اختصاصی کیفردهی در بزه پولشویی است از این جهت صورت پذیرفته است. رویکرد مقنن در تعیین قواعد اختصاصی در کیفردهی برای بزه پولشویی در بسیاری از جرایم دیگر نیز قابل رویت است؛ به عنوان مثال در تبصره دو ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که کارمند دولت به هر نحوی در جرایم موضوع مادتهای ۷۰۲ و ۷۰۳ قانون مذکور دخالتی اعم از مباشرت، مشارکت یا معاونت داشته باشند کیفر دیگری نیز در انتظار آنان خواهد بود و همینطور در صورتی که در بزه جعل مدارک تحصیلی رابطه کارمندی برای اشخاص دخیل در جعل مدارک تحصیلی یا استفاده از آنان وجود داشته باشد حداکثر کیفر برای آنان در نظر گرفته میشود. اما در بزه پولشویی قواعد اختصاصی بر خلاف جرایم مذکور بر مبنای وصف کارمندی تکوین نیافته و اوصاف دیگری میتواند سبب تشدید کیفرهای این جرایم گردد. بنظر میرسد دلیل عدم تمایل مقنن به تشدید کیفر با وصف کارمندی در دولت مرتکب آن است که اساسا سیاست کیفری در دوران بین اموال خصوصی و دولتی، بیشتر متمایل به حمایت بیشتر از اموال دولتی است(احمدزاده، ۱۴۰۴، ۱۶) پولشویی ذاتا سبب بزه دیدگی دولت از حیث اتلاف اموال دولت نمیشود و این نتیجه در پی ارتکاب جرم منشا در مواردی نظیر اختلاس انجام میشود فلذا اعتبار دولت نیز از طریق ارتکاب این بزه به خطر نمی افتد و کیفردهی از طریق اعمال کیفرهای مشدد بر کارمندان دولت لزوم چندانی ندارد.

۱-۲-۱- نحوه کیفردهی در بزه پولشویی بر مبنای وصف میزان مال:

به موجب ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی ارتکاب بزه پولشویی تا یک میلیارد تومان سبب محکومیت به تحمل حبس درجه پنج و با ارقام بیشتر حبس درجه چهار خواهد بود، به شرح زیر ماده مذکور مرقوم میشود:

ماده ۹- اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پولشویی مصادره میشود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم میشوند.

بنظر کیفردهی در خصوص بزه پولشویی بر مبنای گستره زیان بار آثار جرم پیش بینی و تنظیم شده است. همانگونه که پیش تر بیان شد، بنظر میرسد تشدید کیفر با وصف حد نصاب بزه پولشویی به شکل یک درجه ای در راستای حمایت بیشتر از امنیت اقتصادی است چرا که پولشویی به خصوص در ارقام بالا آثار بسیار مهم و خطرناکی را بر امنیت اقتصادی کشور داراست، به عنوان مثال یکی از آثار بزه پولشویی دوری وجوه جاری در اقتصاد از فعالیت های اقتصادی است؛ در واقع امر، میتوان گفت از مهمترین اهداف مرتکبین بزه پولشویی از بین بردن رد پای جرایم منجر به تحصیل اموال کثیف است و در این راستا صرفا هدف نگهداری آنان به دور از چشم های دستگاه های دخیل در نظام عدالت کیفری (ضابطین عام و خاص، مقامات قضایی، دستگاه های اجرایی نظیر مرکز اطلاعات مالی و ...) است و کسب درآمد از طریق این عواید به دلیل ریسک افشای منشا این جرایم چندان مورد علاقه این دسته از مجرمین نیست و ممکن است این عواید در اموری مورد استفاده قرار گیرند که به معنای واقعی مصداق سرمایه گذاری در تولید نیستند (شهریاری و شادمان فر، ۱۴۰۳، ۲۹۷)؛ همچنین صرفنظر از آن، به سان آن چه در خصوص دوری عواید مجرمانه از دید دستگاه های اطلاعاتی، نظارتی و قضایی بیان شد میتوان به پولشویی در ارقام بالا به سان یک تهدید علیه امنیت ملی نگریست؛ به عنوان مثال در حال نگارش این مقاله اخباری مبنی بر بکارگیری برخی اشخاص توسط سرویس های جاسوسی خارجی برای انجام اقداماتی نظیر خرابکاری، تخریب، تروریسم و ایجاد انفجار در سایت های نظامی به لحاظ ضربه زدن به کشور در شرایط جنگی توسط رسانه های داخلی منتشر میشود^۴. بدیهی است که این اشخاص فریب خورده و خائن این امور را به قصد تبرع انجام نداده و عوایدی به عنوان مزد از کارفرمایان متجاوز خویش دریافت نموده اند؛ هر چند که تامین مالی این اشخاص به موجب قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم دارای تعدد معنوی بین رفتار و نتایج با جرایم دیگری نظیر افساد فی الارض از طریق همکاری با رژیم صهیونیستی دارد اما به هر حال منابع تامین کننده این اشخاص قطعا برای عدم افشای هویت تامین کنندگان و تامین شوندگان از رفتارهایی نظیر پولشویی در شبکه های بانکی استفاده نموده اند که طبیعتا ارقام بالایی را در ترازنامه های مرتبط با این پولشویی ها داشته اند.

⁴ <https://www.sharghdaily.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-6/1024157-%D8%AC%D8%A7%D8%B3%D9%88%D8%B3-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%AA%D9%87%D8%A7%D9%85-%D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%84-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF>

اما ذکر این نکته لازم بنظر میرسد که اساسا به موجب ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ کلیه مبالغ مندرج در قوانین باید در بازه هایی سه ساله مورد بازبینی هیات دولت با تناسب نرخ تورم قرار گیرند. در حال حاضر علیرغم مزی هفت سال از زمان تعیین حد نصاب های مندرج در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی این ارقام ثابت مانده و مورد بازبینی قرار نگرفته اند و این در حالی است که به نسبت زمان تصویب و صرفا با بررسی تغییر قیمتی اقلام مرسوم در بزه پولشویی برای کتمان منشا نظیر اقلام مسکوکات طلا و ارز خارجی دلار آمریکا میتوان تغییر بسیار فاحشی را در این خصوص مشاهده کرد^۵ و بنظر میرسد آن چه در سال ۱۳۹۷ در دید مقنن به عنوان رقم خطرناکی پیش بینی شده بود و تدابیری برای آن اندیشیده شده بود باید امروزه مورد بازبینی جدیدی قرار بگیرد چرا که این عدم بازبینی مغایر با بند آخر ماده ۲۶ سیاست های کلی ابلاغی برنامه توسعه پنج سال هفتم بنظر میرسد^۶.

تشدید کیفر به شکل عام خود ناظر بر میزان کیفر بنظر میرسد مانند بسط قوانینی که میزان جزای نقدی را از میزانی تا میزانی دیگر افزایش میدهند (نظیر آن چه در خصوص جزای نقدی اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مرعی است) و یا بسط قوانینی که مدت تحمل حبس را افزایش میدهند؛ اما از دیدی دیگر میتوان با رویت مواردی در قانون رفتارهای پیش بینی شده ای را مشاهده کرد که بوسیله تقنین، کیفر در معنای عام را مشدد مینمایند و نه نوعی کیفر خاص را؛ به عنوان مثال در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۳۹۴ میتوان تشدید کیفر به معنای ایجاد برخوردی قهرآمیز با وصف کیفری به عنوان ضبط را در صورت تحقق شرایط مندرج در مواد ۲۰ تا ۲۲ قانون را ملاحظه کرد که یکی از آن ها تحقق وصف میزان مال موضوع جرم است که با تحقق شرایط مذکور و تجاوز میزان اموال قاچاق از حد نصاب ده میلیون تومانی ضبط وسیله نقلیه حامل کالای قاچاق نیز در مجموعه رفتارهای قانونگذار اضافه میشوند؛ در این سنخ از تشدید کیفر، در واقع امر کیفری جدید در کنار سایر کیفرها در انتظار محکوم خواهد بود و صرفا حد نصاب کیفرهای مندرج در قانون پیش از تشدید مورد تحدید قرار نمیگیرند.

^۵ به گزارش سایت دنیای اقتصاد، قیمت سکه طلای امامی در سال ۱۳۹۷ در کانال چهار میلیون تومان و هر اسکناس دلار آمریکا در کانال نه هزار تومان بوده است که با بررسی تفاوت قیمت سال اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و زمان تالیف این اثر که در حین نگارش سکه امامی در کانال هفتاد میلیون تومان و دلار آمریکا در کانال نود هزار تومان میباشد قیمت مسکوک طلای امامی حدودا بیست برابر و قیمت اسکناس ارز دلار آمریکا حدودا ده برابر شده است.

<https://www.tgju.org/profile/sekee>

<https://donya-e-egtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-62/3497454-%D9%82%DB%8C%D9%85%D8%AA-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D9%86%DB%8C%D9%85-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%B1%D8%A8%D8%B9-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%A8%D9%87%D9%85%D9%86>

^۶ هر چند که بنظر میرسد برخورد مشدد با مرتکبین جرایم اقتصادی با بند چهار ماده ۲۶ سیاست های کلی ابلاغی برنامه توسعه پنج ساله هفتم موازنت دارد.

۲-۱- نحوه کیفردهی در بزه پولشویی بر مبنای وصف مرتکب و وصف سازمان یافتگی جرم:

در گفتار پیشین سعی بر توصیف رویکرد مقنن در تشدید کیفر بر مبنای ازدیاد در وصف میزان موضوع جرم شد، اما اکنون وصف دیگری در خصوص قواعد اختصاصی کیفردهی در بزه پولشویی مورد بررسی قرار میگیرد. در حال حاضر یکی از اوصافی که به شکل اختصاصی برای تشدید کیفر بزه پولشویی مورد تنصیب مقنن قرار گرفته است وصف سازمان یافتگی بزه پولشویی است. این تنصیب به عنوان تبصره چهارم ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷ پیش بینی شده است.

تبصره ۴- در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود.

در حال حاضر، بزه سازمان یافته^۷ در هیچ کجای قانون مجازات اسلامی تعریف نشده و معیارهای آن نیز به شکل صریح با این نام در هیچ یک از قوانین لازم الاجرا قابلیت کشف ندارند اما از سویی دیگر احکام بسیاری نظیر تبصره ۴ قانون مبارزه با پولشویی و ابتدای بند ب ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم سازمان یافته تاکنون در آینه قوانین و مقررات ملی بررسی شده اند. بنظر میرسد خلا قوانین ملی در خصوص تعریف جرم سازمان یافته اما وجود رد پای از این جرایم در برخی از قوانین به لحاظ آن است که روند تکاملی این دسته از جرایم معکوس بوده است به نحوی که این جرایم ابتدای امر در حقوق بین الملل مورد بررسی قرار گرفته و بعد از انعقاد قراردادها و معاهدات متعددی در این خصوص به تدریج به حقوق داخلی کشورها از جمله ایران راه یافته و اکنون نیز در حال پیدا کردن جایگاه خود در حقوق داخلی کشورهاست (سوتیل، ۲۵، ۱۳۸۳) اکنون نیز با توجه به پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون پالرمو که با هدف مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی به تصویب رسیده است اهمیت شناسایی و ارایه تعریف دقیقی از این دسته از جرایم به شدت ضروری بنظر میرسد چرا که سایر معاهدات بین المللی نظیر موافقت نامه فیما بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری یونان؛ تفاهم همکاری فیما بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور جمهوری فدرال روسیه، قرار داد همکاریهای امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، یادداشت همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان در خصوص مبارزه با جرایم سازمان یافته و تروریسم شاید به مصادیقی کلی از جرایم سازمان یافته نظیر پولشویی، قاچاق انسان، تروریسم و جرایم مرتبط با ترانزیت مواد مخدر اشاره نموده اند اما تعریفی از جرم سازمان یافته در این معاهدات در حکم قانون نیز به میان نیامده است (مقدم و یوسفی مراغه، ۱۳۹۱، ۱۰) صرفنظر از عدم ارائه تعریفی دقیق از جرایم سازمان یافته، میتوان به طوری کلی برخی از اوصاف لازم برای سازمان یافته تلقی شدن یک بزه را در ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۷ کشف شد:

ماده ۱-...

⁷ Organized crime

س: قاچاق سازمان یافته: جرمی است که با برنامه ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب قاچاق منحرف شده است صورت میگیرد.

بنظر میرسد کلیه اوصاف مذکور از جمله برنامه ریزی قبلی، هدایت گروهی، وجود نوعی تقسیم کار در گروهی نسبتاً منسجم و همینطور وجود اقلا سه شخص در این گروه برای تحقق وصف سازمان یافتگی ضرورت دارد و بر همین مبنا نمیتوان صرفاً اشخاصی را که در مقیاس سه نفر و بیشتر به فعالیت مجرمانه پولشویی مبادرت دارند را بدون در نظر گرفتن سایر اوصاف با تشدید کیفر روبرو کرد. البته نویسندگان این اثر بر این اعتقادند که موضوع مندرج در تبصره ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی اخص از تعریف سازمان یافتگی جرم بوده و ولو در صورت تحقق شرایط مندرج در تبصره مذکور، سازمان یافته تلقی کردن بزه چندان با اصول قانونی موافقت ندارد. علی ایحال، با عنایت به تصریح تبصره موضوع بررسی میتوان کشف کرد که اولاً- بزه پولشویی لزوماً بزه سازمان یافته نبوده و به شکل انفرادی نیز قابلیت تحقق دارد و ثانیاً- معیارهای مندرج در بند س ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قابلیت تسری به وصف سازمان یافتگی بزه پولشویی را به جهت ایجاد اوصاف لازم قانونی دارد.

۲- آسیب شناسی نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی:

با بیان کلماتی در خصوص اصل نحوه کیفردهی به عنوان خاص ترین برخورد نظام عدالت کیفری و در نظر گرفتن بدیع بودن ادبیات بزه پولشویی در کشور، ایرادات قابل توجهی در خصوص نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی چه در مقیاس عام آن یعنی نحوه برخورد و تعامل با متهمین به ارتکاب پولشویی و چه در مقیاس خاص خود یعنی کیفردهی در نظام حقوقی ایران قابل رویت است. آن طور که بیان شد بدیع بودن ادبیات قانونی در خصوص بزه پولشویی از یک سو و از سوی دیگر، قرارگیری این جرم در جرایم اقتصادی که به تبع خود عدم وجود شاکی خصوصی و کنترل پلیس را در پی داشته و به همین دلیل نرخ ظاهری و واقعی آن به میزان قابل توجهی متفاوت خواهد بود (محمدنسل، ۱۴۰۱، ۵۰) سبب آن خواهد شد که با عدم گستردگی پرونده های تشکیل شده در این خصوص، دکتترین نیز به راحتی خلا های موجود را برای مبارزه با آسیب های آن و مقاومت در برابر قوانین واجد مشکل برطرف نکند. از این سو ایرادات واقع در قانون باید در وهله اول کشف و با در نظر گرفتن نتایج و رهیافت های گذر از آنان و عنداللزوم اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و قانون مجازات اسلامی به سوی جامعه ای با سیاست قانونی متن تر به جهت مبارزه صحیح تر با جرایم اقتصادی پیش رفت. این آسیب ها همگی زاده قانون مبارزه با پولشویی نیستند بلکه بسیاری از این ایرادات ناشی از عدم تدوین همزمان قوانین مشارالیه به صورت همزمان هستند که این جدابافتگی تافته های قانون میتواند از عوامل اصلی ایجاد این ایرادات تلقی شود. در یک دسته بندی کلی میتوان ایرادات وارد بر نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی از حیث ماهوی را همگی ناشی از قانون مبارزه با پولشویی و سایر ایرادات را ناشی از قانون مجازات اسامی دانست.

۱-۲- آسیب شناسی برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی در پرتو قانون مجازات اسلامی

همانگونه که پیشتر بیان شد، آسیب شناسی برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی در چارچوب شکلی خود به حد زیادی متأثر از قوانینی به غیر از قانون مادر-قانون مبارزه با پولشویی- بوده و در واقع امر بنظر میرسد که محدودیت های شکلی همگی متأثر از محدودیت های قانون مجازات اسلامی هستند. محدودیت هایی که به واسطه قانون مجازات اسلامی در خصوص بزه پولشویی ایجاد شده اند در مهمترین اوصاف خود اقتصادی مفروض شدن است حتی در صورتی که بزه منشا ذاتا دارای وصف اقتصادی نباشد و در گام بعدی عدم تبعیت جرم فرزند(پولشویی) از جرم مادر(جرم منشا) است. در حال حاضر بزه پولشویی تحت هر شرایطی بزه اقتصادی محسوب میشود حتی اگر بزه منشا بزه‌ی صرفا دارای اوصاف اخلاقی باشد(نظیر روسپی‌گری) و یا صرفا دارای اوصاف مالی بدون وصف اقتصادی باشد(نظیر خیانت در امانت، ربا و تحصیل مال از طریق نامشروع) که این امر در معنای کلی خود مصداق اعمال عدالت کیفری به شکلی کاملا بیجاست. در واقع امر مبنای کیفردهی با جرایم منشا و مصادیق پولشویی به شکل ناهماهنگی در قوانین متعدد پیشبینی شده اند. صرفنظر از این موارد با عنایت به مصادیق متفاوت و متعدد رفتارهای مصداق بزه پولشویی قطعا آثار و گستره زیان بار رفتارها نیز متفاوت است اما در این خصوص کیفرهای قانونی متفاوتی وجود نداشته و صرفا یک ماده به تبیین کیفر قانونی بزه پولشویی اشاره دارد که تمامی ایرادات با مظاهر فوق در این سرفصل مورد بررسی واقع میشوند.

۱-۱-۲- آسیب شناسی توالی فاسد ناشی از اقتصادی محسوب شدن بزه پولشویی:

بنظر می رسد در فساد مالی محسوب شدن بزه پولشویی تردیدی وجود ندارد و به عنوان مستندی بر این کلام میتوان به تاکید بر مبارزه با پولشویی در ماده ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مشهور به کنوانسیون پالرمو اشاره کرد. اما در این بین، اقتصادی بودن یک جرم ملازم تام با نقض سیاست های اقتصادی حتی در سطح میان رده دارد و اساسا با اوصاف مقرر در قانون مبارزه با پولشویی، این بزه میتواند صرفا برای رفع نیاز مالی ارتکاب یابد و به خصوص در مبالغ پایین جرم انگاری بزه پولشویی توجیه منطقی چندانی ندارد، این انتقاد از سوی برخی حقوقدانان به اقتصادی بودن بزه کلاهبرداری نیز وارد شده است(اله وردی، ۱۴۰۲، ۵۰). اما ایراد به اقتصادی مفروض شدن بزه پولشویی صرفا در سطح نظری قابل ارائه نیست بلکه آثار عملی بسیاری بر آن بار میشود. با اقتصادی در نظر گرفتن بزه پولشویی در دکتترین به لحاظ تصریح این بزه در جرایم مندرج در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تصریح محدودیت در تعلیق این جرایم با حد نصاب مقرر در ماده ۴۷ و همچنین عدم امکان شمول مرور زمان در این جرایم وفق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، عملا توالی فاسد بسیاری زیادی در پی این امور ایجاد میشوند.

در وهله اول میتوان به فرضی اشاره کرد که در آن مرتکب بزه منشا پولشویی با عنوانی نظیر ارتشا به مبلغی کمتر از مبلغ مقرر در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مرتکب جرم شده و با کسب عوایدی کمتر از حد نصاب، آن را برای شستشو به پولشو سپرده است؛ با گذشت سالها و محاکمه مرتکبین بزه منشا و بزه پولشویی، به لحاظ عدم تجاوز مبلغ موضوع بزه ارتشا از حد نصاب قانونی وی از قابلیت شمول مرور زمان بر رفتار خویش و همینطور قابلیت تعلیق کیفر قانونی و قضایی عمل خود برخوردار است اما مرتکب بزه پولشویی با وصف تبدیل عواید به اموالی دیگر نظیر مسکوکات و ... دیگر صرفا با موضوع

جرم کمتر از حد نصاب روبرو نیست بلکه میزان دارایی وی به لحاظ تبدیل به اشیایی که همراه با تورم و یا حتی بیشتر از آن ارزش یافته اند جمعا موضوع بزه وی محسوب میشود و در چنین فرضی قطعا میزان عواید تحصیل شده از میزان موضوع جرم منشا که به محض تحصیل معین و غیرقابل تغییر شده است تجاوز مینماید و وی از حقوق مذکور برخوردار نیست^۸ که جمیع این موارد میتواند سبب افزایش جمعیت کیفری کشور گردد و بدیهی است با عدم قابلیت تعلیق کیفرهای جرایمی نظیر پولشویی و با عنایت به این که با توجه به محدودیت های موجود در کشور نظیر بالا بودن نرخ معاملات غیررسمی چون املاک فاقد سابقه ثبتی و ... عملا دستیابی به سایر شرکا و دست اندرکاران بزه پولشویی نیازمند همکاری متهمین است و در نتیجه اقتصادی محسوب شدن این بزه، فایده همکاری برای متهمین و دست اندرکاران بزه پولشویی با نهادهای اطلاعاتی چندان در برابر هزینه های آن برابر نیست و در نتیجه عدم همکاری متهم به پولشویی در خصوص مسائلی چون هویت سایر افراد دخیل و همینطور سرنوشت اموال شسته شده و معرفی لایه هایی که هنوز از وی کشف نشده اند نظام اطلاعاتی عملا با محدودیت های زیادی در انجام وظایف خود روبرو خواهد بود. بنظر میرسد مقنن برای برطرف کردن این ایراد میتواند در تجربه ای مشابه در خصوص جرائم زیست محیطی توجه توامان مقررات کیفری را به آموزه های حقوق اقتصادی و مالیه عمومی نیز نگاهداشته و تقنین را بر اساس این آموخته ها نیز صورت دهد (راستگو خیابوی، زینال زاده و طاهرخانی، ۱۴۰۳: ۸۷). بر این اساس امکان پذیر است معیارهایی نظیر آن چه برای سازمان یافتگی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش بینی شده است برای اقتصادی محسوب شدن مصادیقی از پولشویی پیش بینی گردد تا از کیفردهای بیجا با معیارهای بزه اقتصادی پیشگیری شود.

۲-۱-۲- آسیب شناسی توالی فاسد ناشی از عدم تبعیت اوصاف بزه پولشویی از بزه منشا:

در کنار آسیب هایی که از حیث شکلی در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده و به آن تاکنون در این اثر اشاره شده است، میتوان آسیب هایی دیگر را در این خصوص برای بزه پولشویی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار داد. به شکل مختصر میتوان ایرادات مندرج در این سرفصل را به خلا قانون در تابع دانستن برخی اوصاف پولشویی از جرم منشا نامید. ظهور چنین رویکردی میتواند به شرح زیر ایرادات وارد بر قانون را مرتفع کند:

الف: تبعیت بزه پولشویی از بزه منشا در خصوص وصف قابلیت گذشت و احکام بار بر آن

ب: تبعیت بزه پولشویی از بزه منشا در خصوص میزان مجازات قانونی جرم منشا

ج: تبعیت بزه پولشویی از بزه منشا در خصوص وصف اقتصادی آن

در حال حاضر در رفتارهای زیادی در قانون با وصف جرایم مالی و حتی غیرمالی جرم انگاری شده اند که عواید آن ها نیز میتواند موضوع پولشویی قرار گیرد؛ جرایمی چون خیانت در امانت و سوءاستفاده از ضعف نفس و هوی و هوس اشخاص غیر رشید از مصادیق جرایم مالی بدون وصف اقتصادی با

^۸ البته ذکر این نکته خالی از اهمیت بنظر نمیرسد که در فرضی که عمل مرتکب بزه منشا به لحاظ شمول مرور زمان با قرار موقوفی تعقیب مورد قضاوت قرار گیرد محکومیت متهم به ارتکاب بزه پولشویی از این حیث صحیح نبوده و بنظر میتوان از ظرفیت محاکم انقلاب اسلامی در خصوص اصل ۴۹ قانون اساسی استفاده کرد.

وصف قابل گذشت هستند و مرتکب جرایم مذکور غالباً موضوعاتی را به عنوان موضوع جرم انتخاب میکنند که مالیت داشته و حسب بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی نیز مال تلقی میشوند:

ماده ۱: ...

ب-مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیر مادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیر مشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار.

در خصوص بند الف، میتوان بیان کرد که در مواردی که بزه‌هایی چون خیانت در امانت و سوءاستفاده از ضعف نفس و هوی و هوس اشخاص غیر رسید رخ داده و عواید آن توسط شخص ثالثی شسته شده است مرتکب جرم منشاء که ام المصائب شاکی بوده است میتواند با اخذ گذشت وی به صورت مشروط در نهایت با صدور قرار موقوفی اجرا از کیفررسانی مقنن خلاصی یابد اما رضایت شاکی به مرتکب بزه پولشویی النهایه از جهات تخفیف کیفر قضایی وی محسوب میگردد.

در خصوص بند ب میتوان بیان کرد که مقنن در جرایمی مالی کیفرهای قانونی سبکتری نسبت به کیفرهای پیشبینی شده در قانون مبارزه با پولشویی پیش بینی کرده است، به عنوان مثال ارتکاب بزه موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری -تحصیل مال از طریق نامشروع- در نوع خود بزه‌ی با کیفر حبس تعزیری درجه ۶ میباشد و حد نصاب آن نیز از حیث قانونی تأثیری بر میزان کیفر مذکور ندارد. حال در فرضی که شخصی با ارتکاب بزه تحصیل مال از طریق نامشروع اموالی تحصیل و آن را در اختیار شخص دیگری برای پولشویی قرار داده است و با لایه گذاری های متفاوت پولشویی به شکل تام رخ داده است، در ما نحن فیه کیفر شخص مرتکب بزه منشا کیفری درجه ۶ و کیفر در انتظار مرتکب بزه پولشویی کیفری درجه ۴ خواهد بود که در فرض اخیر تناسبی فی ما بین کیفرها وجود نخواهد داشت.

در خصوص مثال سوم نیز این امکان وجود داشت که مقنن برای اصلاح رویکرد خود در خصوص جرمی که قانوناً شرایط منشا بودن برای بزه پولشویی را داراست را صرفاً در دسته جرایم اقتصادی محصور کند؛ به عنوان مثال در حال حاضر جرایمی چون روسپی گری نه تنها وصف اقتصادی را دارا نیستند بلکه حتی وصف مالی را نیز عرفاً به خود ندارند اما یکی از موضوعات این جرم و حتی غایت تحقق این جرم تحصیل عواید است، در حال حاضر اگر شخصی با روسپیگری عوایدی را تحصیل نموده و سپس به عنوان اجاره منزل آن را به حساب موجر منزل خود واریز کرده و موجر نیز اطلاع از منشا مجرمانه این جرم داشته باشد عملاً رفتار وی وفق قانون پولشویی محسوب میگردد که این امر محل ایرادی جدیست چرا که جرم منشاء دارای وصفی اقتصادی نبوده ولی جرم تبعی مفروضاً این وصف را داراست.

در کنوانسیون پالمو که جمهوری اسلامی ایران اخیراً به آن پیوسته است اما رویکردهای متفاوتی در خصوص پولشویی متخذ شده اند، نخست آن که در قسمت دوم ماده ششم کنوانسیون مذکور توصیه به بکارگیری حداکثر طیف رفتارهای مجرمانه به عنوان جرم منشاء برای رفتارهای تحصیل، مالکیت یا استفاده از اموال، با آگاهی از آن که در زمان دریافت، اموال مزبور عواید حاصل از جرم هستند شده است و در عین حال برای رفتارهایی نظیر مشارکت،

همکاری یا تبانی برای ارتکاب یا اقدام به ارتکاب، همدستی، معاونت، تسهیل یا مشاوره در ارتکاب هر یک از جرایم موضوع ماده مربوطه چنین توصیه ای وجود نداشته است. از سوی دیگر، رویکرد کنوانسیون مذکور در خصوص منشاء قرار دادن جرائم کیفری در نظام های حقوقی را به شرح ذیل توصیه نموده است:

۲. به منظور اجرا یا کاربرد مفاد بند (۱) این ماده:

ب) کلیه کشورهای عضو، تمامی جرایم شدید (موضوع ماده ۲) این کنوانسیون و تخلفات موضوع مواد ۵، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون را به عنوان جرایم اصلی تلقی خواهند نمود. کشورهای عضو که در قوانین آنها فهرست مشخصی از جرایم اصلی وجود دارد، باید، حداقل، طیف جامعی از جرایم مرتبط با گروههای مجرمانه سازمان یافته را در فهرست مزبور بگنجانند؛

پیرو مطالعه این قسمت، ضرورت دارد که بند ب ماده دوم کنوانسیون مذکور نیز مورد مذاقه قرار گیرد به شرحی که در کنوانسیون قید شده است:

ب) «جرم شدید» عمل مجرمانه ای است که مجازات آن سلب آزادی به مدت حداقل چهار سال یا مجازاتهای شدیدتر باشد؛

با این وصف، بنظر میرسد در خصوص برای رفتارهایی نظیر مشارکت، همکاری یا تبانی برای ارتکاب یا اقدام به ارتکاب، همدستی، معاونت، تسهیل یا مشاوره در ارتکاب هر یک از جرایم موضوع ماده مربوطه توصیه به رفتاری خفیف تر شده است و اساسا با تکیه بر ملاک مندرج در این کنوانسیون، در خصوص رفتارهای اخیر امکان شرطیت "شدید" بودن جرم منشاء به قانون قابل الحاق باشد. در حال حاضر جرائم با کیفر حبس با مدت چهار ساله مطابق با ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی درجه ۵ محسوب میگردند.

۲-۲- آسیب شناسی برخورد نظام عدالت کیفری با بزه پولشویی در پرتو قانون مبارزه با پولشویی

۲-۲-۱ ابهام در بیان ارکان جرم پولشویی

ارکان سه گانه لازم برای جرم پولشویی در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی بیان شده است که ابهاماتی به شرح ذیل دارد. قانونگذار در بندهای الف، ب و پ ماده ۲ قانون مزبور با عبارتی همانند ((با علم)) و ((به منظور)) به قصد عام و یا خاص اشاره می کند و این در حالی است که در پولشویی رکن روانی مفروض است و با عنایت به اینکه مسئولیت کیفری مطلق حاکم است مخاطب بندهای سه گانه مشخص نیست. آیا مقصود کسانی هستند که مرتکب جرم منشا شده و سپس در جهت مخفی نمودن منشا مجرمانه به پولشویی اقدام کرده اند؟ آیا مقصود کسانی هستند که مرتکب جرم منشا نگردیده و تحت عناوین مثل نماینده و عامل مجرمان اصلی اقدام به پولشویی کرده اند؟ آیا مقصود کسانی هستند که در موسسات مالی مسئولیت دارند؟ شاید بتوان گفت مخاطب بندهای الف و ب افراد گروه دوم یعنی کسانی که مرتکب جرم منشا نشده اند و صرفا عامل پولشویی هستند می باشد. اگر

شامل مرتکبان جرم منشا گردند عبارت ((با علم)) لغو خواهد بود به جهت اینکه وقتی کسی مرتکب جرم منشا شده است دیگر نیازی به ذکر آن نیست. اما مخاطب بند پ مرتکب جرم منشا می باشد که بعد از ارتکاب اقدام پولشویی می کند و لذا قید علم مطرح نشده است.

رکن مادی پولشویی نیز در ماده بیان شده است در بند الف این ماده عبارت تحصیل و تملک به کاررفته است. سوال این است که مراد از این دو کلمه چیست؟ آیا این دو بیانگر یک مفهوم است یا هرکدام معنای متفاوت از دیگری دارد. این امر بین نویسندگان نیز مورد اختلاف است. برخی بر این باورند که تحصیل کسب از طرق غیر قانونی و تملک ناظر بر طرق قانونی است. اما این توجیه با اشکال مواجه است به جهت اینکه: اولاً: این بیان ناسازگار با ذیل بندها است. قید «علم به منشأ مجرمانه» قید برای هردو واژه تحصیل و تملک است لذا این قید بیانگر غیر قانونی بودن هم تملک و هم تحصیل است. ثانیاً: تملک قانونی نسبت به مال مجرمانه ممکن نیست چراکه عمل حقوقی نسبت به چنین مالی باطل است. برخی از این اشکال پاسخ داده اند که در اعمال مجرمانه تملک ممکن است چراکه انتقال درواقع و به صورت صحیح لازم نیست بلکه قصد طرفین کافی است (کندوجی، ۱۳۹۷، ص ۷۵). اما این پاسخ اشکال دارد چراکه اگر مقنن نظرش این بوده است در این صورت تعبیر درست این است که گوئیم تملک ظاهری است نه غیر قانونی. چون قانون چنین اعمالی را از اصل باطل می داند.

ابهام دیگری که درمورد بیان مصادیق رکن مادی رخ داده، واژگان تبدیل، مبادله، نقل و انتقال است. در بند ب و پ در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، این واژگان موجب ابهام شده است. درحالی که بین نقل و انتقال تفاوتی نیست و اثر حاصل از نقل را اصطلاحاً انتقال میگویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۲۰). همچنین فرقه‌های مختلفی بین مبادله، تبدیل و انتقال گفته شده است که جز استحسان چیز دیگری نیست (گرایلی، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۳) و در هر حال صحیح تر آن بود که این رفتارها مورد تعریف مقنن قرار میگرفتند.

ابهام دیگر در نص قانون مبارزه با پولشویی در خصوص عبارات «پنهان» و «کتمان» است. بدیهی است که با عنایت به اصل حکیم بودن مقنن این دو واژه دارای یک بار معنایی نمیباشند. ایراد مذکور سابقاً نیز در قانون در خصوص الفاظ دیگری نیز وجود داشته است بویژه اینکه در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ از واژه های اختفاء و مخفی کردن استفاده شده بود که این امر نیز ابهام در خصوص ماهیت اختفا و مخفی کردن را تشدید نموده بود که اصلاحات اخیر قانون مبارزه با پولشویی با حذف رفتار اختفا از قانون ابهام فی ما بین این دو رفتار را از بین برده است اما کماکان در خصوص تفاوت فی مابین عبارات پنهان کردن و کتمان کردن و همینطور تفاوت آن دو با اختفا نصی در قانون موجود نیست. درباره تفاوت این دو واژه نیز توجیهاتی ذکر شده است مثل کاربرد کتمان در خودداری از بیان موضوعی با وجود اطلاع دیگران از آن و کاربرد پنهان کردن درمورد موضوعی که بر دیگران مخفی است درحالیکه دلیل متقنی بر این تفکیک بنظر نمی رسد (ساریخانی و فتحی، ۱۳۹۴: ۲۴۴ گرایلی، ۱۳۸۳: ۶۳) اما به هر ترتیب در نصوص قانونی وجوه افتراق این دو مشخص نیست و در خصوص چالش فوق رویه قضایی، با منابع غیر الزام آور، پنهان کردن را رفتاری مثبت و کتمان را رفتاری با ترک فعل تلقی میکنند (نشست قضایی با کد ۹۷۸۷-۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۵ شهر گنبد کاووس)^۹ و ملاک مذکور به صورت موردی، مورد پذیرش رویه

^۹ <https://neshast.eadl.ir/Home/GetPublicJSessionTranscript/f1049291-f9b3-431c-a776-08d9cce40243>

قضایی قرار گرفته است. با پذیرش نظر اخیر، سکوت در مقام ارائه ادله در خصوص منشاء وجوه مشکوک با رعایت سایر شرایط پولشویی محسوب می‌گردد در حالی که مطابق با دیدگاه های نوین حقوق کیفری، صرف سکوت متهم نباید دلیلی بر علیه وی تلقی گردد و با این وصف، سکوت متهم-نه دلیلی بر علیه وی-که بزهی مستقل برای وی انگاشته شده است. رویه قضایی بدون تصریح بند پ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی صرف کتمان بدون قصد اخفای منشاء مجرمانه را پولشویی قلمداد نمی‌کند(دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۹-مستخرج از سامانه ملی آرای قضایی)^{۱۰}. همچنین در رویه قضایی صرف انجام اعمالی نظیر استفاده از کارت های بانکی اشخاص ثالث که عرفاً جهت کتمان منشاء و سخت نمودن شناسایی و رهگیری عواید است موجبی برای پولشویی شمرده شدن رفتار نیست(دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۱۳۹۰۰۰۰۶۳۶۳۹-مستخرج از سامانه ملی آرای قضایی) مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۶ شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج). لازم به ذکر است که صرف کتمان مجرمانه بودن عواید منشا نیز مطابق با تبصره های الحاقی به ماده دو قانون مبارزه با پولشویی در شرایطی که مطابق با اوضاع و احوال قضیه نظیر در معرض خطر پولشویی بودن مشاغل غیر مالی جرائم مستقلاً هستند که از حوصله مقاله مذکور خروج موضوعی دارند^{۱۱}. ذکر این نکته لازم است که در ادامه اختلافات پیرامون این رفتارها، سخن از مقید به نتیجه بودن رفتار کتمان به میان آورده اند و در واقع کتمان را در صورتی مشمول احکام پولشویی میدانند که منتج به عدم اثبات مجرمانه بودن منشاء گردد(اله وردی، ۱۴۰۲: ۱۱۳) اما بنظر میرسد که رفتار کتمان باید در اصل رفتاری مطلق باشد چرا که در وضعیتی که منشاء مجرمانه یک عایدی مکتوم مانده است محملی برای محاکمه مکتوم کننده آن باقی نمانده و اساساً دعوی "کتمان" برای رفتار ارتكابی محملی قانونی ندارد کما این که اساساً مفاهیم "سستن" و "تطهیر" برای اموال مفاهیمی مجازی بوده و بر فرضی که اموالی با ریشه مجرمانه بر مبنای قانونی و واقعی "تطهیر" شوند عمل ارتكابی تحت عنوان پولشویی قابلیت تعقیب ندارد. این گمان می‌رود که شاید مقنن با تنگ نمودن عرصه بر متهم به کتمان منشاء در تلاش برای ایجاد وضعیتی است که متهم با کتمان منشاء تبعاً امکان تمسک به فقدان سوءنیت را نیز از دست دهد تا خود را برای برائت از اتهام انتسابی ناچار به اقرار به منشاء و دفاع مناسب از خویش را در خصوص عدم علم به مجرمانه بودن منشاء یافته تا قضات امکان تمسک و استناد به دفاع وی را بر علیه مرتکب جرم منشاء بیابند. تناسب کیفر تعیینی در خصوص بزه پولشویی همواره مورد تاکید اسناد بین المللی مرتبط قرار داشته و در قالب توصیه های تقنینی به دولت ها عرضه گردیده است. (باقرزاده، ۱۳۹۴: ۳۱) برای نمونه در بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون پالرمو و بندهای ۱ و ۳ کنوانسیون مقابله با فساد مریدا به متناسب سازی کیفر در قبال پولشویی اشاره شده است هر چند به دلیل پیچیده بودن و عدم امکان برآورد زیان ها و پیامدهای منفی ناشی از پولشویی تحقق این هدف مشکل است.

¹⁰ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/39225>

¹¹ ذکر این نکته خالی از فایده بنظر نمیرسد که در برخی موارد برخی از محاکم رسیدگی کننده به اتهامات پولشویی اثبات جرم منشاء را منوط به احراز جرم در مراجع انتظامی نموده اند که این امر بنظر بدعتی نوین بنظر میرسد که فاقد مبنای حقوقی قانونی بلکه بر مبنای رویه سازی بنظر میرسد(دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۱۳۹۰۰۰۵۲۸۸۰۶۸-مستخرج از سامانه ملی آرای قضایی) مورخ ۱۴۰۱/۱/۴ صادره از شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج).

موضع قانونگذاران ایران در قبال توصیه های اسناد بین المللی، در اصلاح قانون پولشویی در سال ۱۳۹۷ دیده می شود به گونه ای که در ماده ۹ با اتکا به نسبی گرای به تعیین کیفر حبس و جزای نقدی متناسب با جمع اموال؛ درآمد و عواید پرداخته شده است. با این وجود برخی از موارد این تغییرات نیاز به بازنگری مجدد دارد. همانگونه که در اسناد بین المللی نیز توصیه شده است در صورت ارتکاب پولشویی به صورت سازمان یافته با توجه به افزایش پیچیدگی و دشواری در کشف و نیز میزان بالای زیان های ناشی از آن تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۹۷ سازمان یافتگی را موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه می داند ولی اعمال یک درجه کیفر بالاتر تنها در خصوص کیفر حبس قابلیت اعمال داشته و در خصوص مصادره اموال و نیز جزای نقدی نسبی با توجه به انصراف مصادره به کل اموال و همینطور نسبی جزای نقدی موضوع بحث امکان پذیر نیست. بر این اساس انتظار می رود که قانونگذار تدبیری بیاندیشد تا کیفر جزای نقدی نیز قابلیت تشدید داشته باشد. البته در خصوص سخن از تشدید کیفر، بنظر میرسد این تشدید باید با شرایطی منطقی صورت پذیرد؛ تناسب کیفر و بزه به عنوان نقطه اتصال حقوق کیفری و کیفرشناسی همواره مورد تاکید نظام های حقوقی مختلف بوده و تابدان جا اهمیت می یابد که عدم توجه به آن می تواند به معنای کاهش جدی دستاوردهای حقوق کیفری به شمار می آید. (صفاری، ۲۹: ۱۳۹۰). در حال حاضر ابهامات بیان شده از یک سو و از سویی دیگر به نوعی تدریجی مقنن در پولشویی شناختن رفتارهای نه گانه سبب نوعی مقاومت قضایی در برابر قانون شده است چرا که به عنوان مثال، برخی مقامات قضائی ستادی در کشور متقاضی تشکیل پرونده پولشویی در کنار جرائم «مهم» توسط دادستان ها شده اند و این امر خود حاکی از آن است که شاید در بدنه قوه قضائیه نیز عزمی برای اجرای قانون مبارزه با پولشویی با وضعیت کنونی وجود ندارد^{۱۲}. در تبیین راه حل این ابهام، میتوان نمونه مواردی را بررسی نمود که برخی شعب دیوانعالی کشور در مقام رسیدگی های مربوط به بزه پولشویی با نقض آرای محکومیت به تحمل کیفر از برای ارتکاب بزه پولشویی با بیانی کلی عدم تمایل خود را به جاری نمودن مقررات مربوط به قانون مبارزه با پولشویی با گستردگی قانون اعلام مینمایند. به عنوان مثال در دادنامه شماره 140406390000059933 مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۶ صادره از شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور، در خصوص متهم به ارتکاب بزه پولشویی از طریق تبدیل عوایدی به میزان ۳۸ عدد سکه طلا با منشاء دعوی نفوذ و بردن مال از این طریق به وجه نقد، شعبه دیوان عالی کشور نظر بر خروج موضوعی "تبدیل" در این بزه از شمول عنوان پولشویی داشته است. لکن به هر ترتیب، با وجود ابهامات قانونی و تصویب قوانین غیرشفاف تحقق اصل حاکمیت قانون با موانعی روبروست (حبیب زاده و تربندی، ۱۴۰۴: ۱۸۸) که کنترل این موانع به واسطه رویه قضایی و سیاست جنایی قضایی نیز از آثار این موانع نمیکاهد و اقدام صحیح تر برای رفع این چالش در نظام حقوقی فعلی، ورود مقنن به عرصه تقنین با رعایت اصول کارآمد و صحیح است.

نتیجه گیری:

مطالعه آسیب‌شناسانه قانون مبارزه با پولشویی در ایران نشان می‌دهد که این قانون با وجود گذشت بیش از یک دهه از تصویب آن و انجام اصلاحات در سال‌های بعد، همچنان با چالش‌های جدی در حوزه ساختار حقوقی و اجرای مؤثر مواجه است. مهم‌ترین ایراد وارد بر این قانون، فقدان تعریف‌های دقیق و جامع از مفاهیم کلیدی از جمله "پولشویی"، "عواید حاصل از جرم" و "جرائم منشأ" است. این خلأ مفهومی موجب تفسیرهای متفاوت در مراجع قضایی و افت کارآمدی در فرایند دادرسی شده است. افزون بر آن، پراکندگی مقررات مرتبط با پولشویی در قوانین مختلف، نبود انسجام تقنینی، و تداخل صلاحیت‌ها میان نهادهای نظارتی، از دیگر موانعی است که اثربخشی حقوقی قانون را کاهش داده است. همچنین، ضعف در پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری و اداری مؤثر، فقدان نظام کارآمد کشف، ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم، و عدم انطباق کامل با استانداردهای بین‌المللی نظیر توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، از جمله نارسایی‌هایی است که ضرورت بازنگری در قانون را برجسته می‌سازد. برای تقویت بنیان‌های حقوقی مقابله با پولشویی، لازم است قانون‌گذار ضمن اصلاح نواقص موجود، به تدوین مقرراتی منسجم، شفاف و متناسب با شرایط اقتصادی و حقوقی کشور اقدام نماید. همچنین، ارتقای دانش تخصصی در حوزه جرم‌شناسی مالی در میان قضات، وکلا و نهادهای نظارتی، از پیش‌نیازهای اجرای صحیح و اثربخش این قانون به شمار می‌رود. تنها در سایه اصلاح ساختار حقوقی و تقویت ضمانت‌اجراهاست که می‌توان به تحقق اهداف قانون مبارزه با پولشویی و ارتقای جایگاه نظام حقوقی کشور در سطح بین‌المللی امید داشت.

پیشنهاد می‌گردد تعاریف موجود از جرم پولشویی، اشخاص مشمول، و تراکنش‌های مشکوک دقیق‌تر، شفاف‌تر و منطبق با رویه‌های بین‌المللی بازنویسی شود تا از تفاسیر سلیقه‌ای جلوگیری گردد. تقویت ضمانت‌اجراها: قانون باید از ضمانت‌اجراهای قوی‌تر اعم از کیفری، اداری و مالی برخوردار باشد تا قدرت بازدارندگی آن افزایش یابد. ایجاد هماهنگی نهادی: نهادهای مسئول همچون مرکز اطلاعات مالی، بانک مرکزی، قوه قضائیه، و وزارت اطلاعات باید در قالب سامانه‌ای یکپارچه با دسترسی مشترک به اطلاعات، همکاری نزدیک و مستمر داشته باشند. ارتقای آموزش و تخصص‌گرایی: آموزش مأموران، قضات، کارکنان بانک‌ها و نهادهای مالی در حوزه شناسایی و گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک ضروری است. افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی: نهادهای متولی باید موظف به ارائه گزارش‌های سالانه و عملکرد شفاف به افکار عمومی و نهادهای نظارتی باشند. در جدول زیر برخی از پیشنهادات اصلاحی ارائه می‌گردد:

ردیف	موضوع پیشنهادی	شرح پیشنهاد	مستند قانونی داخلی	ارجاع به استاندارد بین‌المللی FATF /
۱	تعریف مفاهیم کلیدی	بازنگری در تعریف « پولشویی»، « جرم منشأ»، « عواید مجرمانه» و « اشخاص مشمول» جهت جلوگیری از ابهام و تفسیر دوگانه.	ماده 2 قانون مبارزه با پولشویی	توصیه 3 و FATF 4
۲	انسجام تقنینی	تدوین یک قانون جامع و منسجم در حوزه جرائم مالی با ادغام مقررات پراکنده در قوانین مختلف.	پراکندگی در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون تجارت و آیین دادرسی کیفری	توصیه 1 و FATF 31
۳	ضمانت اجرای کیفری و مدنی	پیش‌بینی مجازات‌های متناسب برای اشخاص حقیقی و حقوقی مرتکب یا تسهیل‌کننده پولشویی، از جمله جریمه، مصادره و محرومیت از فعالیت اقتصادی.	مواد 9 و 10 قانون مبارزه با پولشویی	توصیه 35 و FATF 36
۴	آیین دادرسی تخصصی	تدوین آیین دادرسی ویژه جرائم مالی شامل روش‌های جمع‌آوری ادله، کشف جرم، رسیدگی سریع و ضبط اموال مرتبط با جرم.	آیین دادرسی کیفری (به‌طور ناقص)	توصیه 30 و FATF 31
۵	شفافیت نظام مالی	الزام مؤسسات مالی به رعایت اصول شناخت مشتری (KYC)، ثبت اطلاعات تراکنش‌ها و گزارش معاملات مشکوک به واحد اطلاعات مالی.	آیین‌نامه اجرایی ماده 5 قانون	توصیه 10 و FATF 21
۶	مسئولیت نهادهای مالی و اشخاص واسط	تعیین صریح مسئولیت مدنی و کیفری مؤسسات مالی و کارشناسان رسمی در صورت عدم گزارش‌دهی یا همکاری در موارد مشکوک.	فاقد پیش‌بینی دقیق در قانون فعلی	توصیه 17 و FATF 18
۷	آموزش و ظرفیت‌سازی حقوقی	برگزاری دوره‌های تخصصی برای قضات، دادستان‌ها، ضابطان و وکلا جهت ارتقاء دانش در زمینه جرائم مالی و سازوکارهای حقوقی مربوط.	جزو وظایف آموزش قوه قضائیه	توصیه 33 FATF

۱. احمدزاده، رسول. (۱۴۰۴). حقوق کیفری اقتصادی: جرایم مالی کارکنان دولت. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲. الهوردی، فرهاد. (۱۴۰۲). جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. نشر دادبخش.
۳. الهی‌منش، محمدرضا، و مرادی، محسن. (۱۴۰۴). حق بر مجازات نشدن: رویکردی نوین در کاربرت پاسخ‌های کیفری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳). Doi: [10.22034/jclc.2025.2049454.1138](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049454.1138)
۴. باقرزاده، احد. (۱۳۹۴). پولشویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی (چاپ اول). نشر میزان.
۵. بسامی، مسعود. (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر در حقوق کیفری ایران. پژوهش حقوق کیفری، ۳(۳).
۶. بخشی‌زاده، طاهر، بشیریه، تهمورث، و غلامی، حسین. (۱۴۰۲). اصل حداقل بودن حقوق جزا در حقوق کیفری ایران: چالش‌ها و راهکارها. آموزه‌های فقه و حقوق جزا، ۷(۷).
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ترمینولوژی حقوق (چاپ ششم). کتابخانه گنج دانش.
۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر، و تربندی، احسان. (۱۴۰۴). سنج کارآمدی حاکمیت قانون در نظام حقوقی ایران. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳). Doi: [10.22034/jclc.2025.2049834.1142](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049834.1142)
۹. راستگو خیاوی، پوریا، زینال‌زاده، محمد، و طاهرخانی، امیر. (۱۴۰۳). اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن با نقد یک رأی. دوفصلنامه نقد و تحلیل آرای قضایی، ۳(۵)، ۷۳-۹۱.
۱۰. ساریخانی، عادل، و فتحی، مرتضی. (۱۳۹۴). عناصر موضوعی جرم پولشویی در قانون مبارزه با پولشویی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴(۵)، ۲۳۷-۲۵۶.
۱۱. سوتیهیل، کیت، و دیگران. (۱۳۸۳). شناخت جرم‌شناسی (مترج: میرروح‌الله صدیق). نشر دادگستر.
۱۲. شاکری، ابوالحسن، و شیخ‌الاسلامی، عاطفه. (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی رفتار ارتكابی در جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران و کنوانسیون مبارزه با فساد: مصادیق و خلأها. پژوهش‌های حقوقی، ۴۱(۴۱).
۱۳. شهریاری، محمد، و شادمان‌فر، محمدرضا. (۱۴۰۳). امنیت‌گرایی در بزه پولشویی. تعالی حقوق، ۱۱۵(۱).
۱۴. صفاری، علی. (۱۳۹۰). کیفرشناسی (چاپ شانزدهم). انتشارات جنگل.
۱۵. عالی‌پور، حسن، و زالی‌پور مداب، مهران. (۱۴۰۱). نقش اداره حقوقی قوه قضائیه در تراز میان قانون و رویه قضایی: بررسی موردی کیفرگزینی. تعالی حقوق، ۸(۴).
۱۶. کندوجی خطبه‌سرا، امید. (۱۳۹۷). تبیین ارکان جرم پولشویی با نگاهی به لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی. راه وکالت، ۲۰(۲۰).
۱۷. گرایلی، محمدباقر. (۱۳۸۹). پولشویی از منظر فقه و حقوق موضوعه. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۸. محمدنسل، غلامرضا. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی عمومی. بنیاد حقوقی میزان.
۱۹. محمدنسل، غلامرضا. (۱۴۰۱). کلیات پیشگیری از جرم. بنیاد حقوقی میزان.
۲۰. مقدم، علی اصغر، یوسفی مراغه، مهدی، و رضایی، ارسلان. (۱۳۹۱). بررسی جرم سازمان‌یافته در قوانین داخلی و قراردادهای دوجانبه. مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۲(۱۲).
۲۱. نیکومنظری، امین، و محسنی، فرید. (۱۳۹۸). چالش‌های نظری و عملی فرایند تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات اشخاص حقوقی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲۰(۲۰).

References:

1. Ahmadzadeh, R. (2025). *Economic criminal law: Financial crimes of government employees*. Judiciary Press and Publications Center. (in Persian)
2. Aalipour, H., & Zalipour Madab, M. (2023). The Judiciary Law Office between law and judicial practice : A case study of sentencing. *Culmination of Law*, 8(4), 247-281. <https://doi.org/10.22034/thdad.2023.529371.1783> (in Persian)
3. Allahverdi, F. (2023). *Economic crimes in Iranian criminal law*. Daadbaksh Publication. (in Persian)
4. Bagherzadeh, A. (2015). *Money laundering in Iranian and English law and international documents* (Vol. 1). Mizan Publication. (in Persian)
5. Bakhshizadeh, T., Bashirieh, T., & Gholami, H. (2023). The principle of minimum criminal law in Iranian criminal law: Challenges and solutions. *Jurisprudence and Criminal Law Doctrines*, 2(3), 19-42. <https://doi.org/10.30495/jcld.2023.1986786.1067> (in Persian)
6. Bassami, M. (2020). The status of an introductory crime in relation to another crime in Iranian criminal law. *Journal of Criminal Law Research*, 9(33), 81-102. <https://doi.org/10.22054/jclr.2020.41314.1897> (in Persian)
7. Elahimanesh, M. R., & Moradi, M. (2025). The right not to be punished : A new approach to the application of criminal sanctions. *Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(3), 58-104. Doi: [10.22034/jclc.2025.2049454.1138](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049454.1138) (in Persian)
8. Gerayli, M. B. (2010). *Money laundering from the perspective of Islamic jurisprudence and positive law*. Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. (in Persian)
9. Habibzadeh, M. J., & Tirbandpey, E. (2025). Assessing the efficacy of the rule of law in Iran's legal system. *Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(3), 171-196. Doi: [10.22034/jclc.2025.2049834.1142](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049834.1142) (in Persian)
10. Jafari Langroodi, M. J. (2003). *Legal terminology* (Vol. 6). Ganj Danesh Library Publication. (in Persian)

11. Kandouji Khotbeh Saraa, O. (2018). Analysing the elements of money laundering with a view to the bill amending the Anti-Money Laundering Law. *Rah-e Vekalat*, (20). (in Persian)
12. Mohammadnasl, G. (2022). *General criminology*. Mizan Legal Foundation. (in Persian)
13. Mohammadnasl, G. (2024). *General principles of crime prevention*. Nashr-e Mizan. (in Persian)
14. Moqaddam, A. A., Yousefi Maragheh, M., & Rezaei, A. (2013). Organized crime in domestic laws and bilateral agreements. *International Police Studies*, 12(3), 5-26. (in Persian)
15. Nikomanzari, A. Mohseni, F. (2019). Theoretical and practical challenges of the process of prosecution, investigation and execution of punishment of legal entities in the Criminal Procedure Code 1392. *Journal of Criminal Law*, 10(2), 239-263. (in Persian)
16. Rastgoo Khiavi, P., Zeynalzadeh, M., & Taherkhani, A. (2024). Linking tax law and criminal law in light of criticism of a judicial decision. *Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, 3(5), 73-91. <https://doi.org/10.22034/analysis.2024.2030445.1088> (in Persian)
17. Safaari, A. (2011). *Penology* (16th ed.). Jangal Publications. (in Persian)
18. Sarikhani, A., & Fathi, M. (2015). Thematic elements of money laundering in Iran's Anti-Money Laundering Law and international conventions. *Criminal Law and Criminology Studies*, 2(4-5), 237-256. (in Persian)
19. Shahriari, M., & Shadmanfar, M. R. (2024). Security-oriented approach to money laundering. *Culmination of Law*, 10(1), 277-308. <https://doi.org/10.22034/thdad.2023.1971854.2287> (in Persian)
20. Shakeri, A., & Sheikheslami, A. (2020). Conceptual analysis of criminal conduct in money laundering under Iranian criminal law and the Anti-Corruption Convention: Instances and gaps. *Journal of Legal Research*, 19(41), 147-171. <https://doi.org/10.48300/jlr.2020.109258> (in Persian)
21. Southill, K., et al. (2004). *Criminology* (M. R. Sediq, Trans.). Dadgostar Publishing. (in Persian)

Links:

1. ¹<https://neshast.eadl.ir/Home/GetPublicJSessionTranscript/f1049291-f9b3-431c-a776-08d9cce40243>
2. ¹<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/39225>
3. ¹<https://rm.coe.int/16804e603c>

4. <https://www.sharghdaily.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-6/1024157-%D8%AC%D8%A7%D8%B3%D9%88%D8%B3-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%AA%D9%87%D8%A7%D9%85-%D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%84-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF>
5. <https://www.tgju.org/profile/sekee>
6. <https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-62/3497454-%D9%82%DB%8C%D9%85%D8%AA-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D9%86%DB%8C%D9%85-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%B1%D8%A8%D8%B9-%D8%B3%DA%A9%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%A8%D9%87%D9%85%D9%86>
7. ¹ <https://www.yjc.ir/00bn2w>

Abstract:

Anti-money laundering laws play an important role in legal systems regarding the illegal circulation of assets and the prevention of the integration of these assets into the formal economy. In the Iranian legal system, despite the enactment of Anti-Money Laundering Law in 2007 and the second amendment in 2018 alongside other norm-generating legal sources, notable deficiencies and procedural shortcomings continue to undermine its practical effectiveness. This article examines the legislative structure of the Iranian legal system's approach in the anti-money laundering framework through a critical analysis approach particularly about how the Iranian criminal justice system responds to money laundering crimes and over-criminalized behaviors without sufficient attention to the mental element (*mens rea*). The analysis is conducted from a legislative perspective and identifies several structural deficiencies, including the absence of precise and comprehensive definitions of notable concepts like money laundering and proceeds of crime and the over-expansion of criminalization through broadly framed provisions and inattention to the fundamental principles of criminal law especially the principle of legality of crime and punishment and the presumption of innocence. In addition, lack of clarity regarding

jurisdiction and some important concepts about organized forms of money laundering and the law's response to legal persons have caused conflicting interpretations and divergent judicial treatment and judicial decisions. The article also highlights the challenges posed by the unconditional classification of money laundering as an economic crime under the 2014 amendment to the Islamic Penal Code, regardless of the classification of the predicate crime and the lack of proportionality in punishment. Consequently, this article proposes several legal reforms aimed at clarifying structural definitions, ensuring proportionality in punishment, harmonizing domestic regulations with international obligations, and strengthening procedural coherence. By aligning anti-money laundering legislation with constitutional principles and international standards, the effectiveness of criminal law can be enhanced without compromising individual freedoms.

Keywords: money laundering, economic crimes, pathology of anti-money laundering law

پذیرفته نشده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited